لغات کلیدی و تکمیلی

درس سوم - پایه دوازدهم

"Key words"

(Lesson Three – Vision Three)

تهیه و گردآوری:

"جمـــال احمـــدی"

دبـیر دبـیرسـتانهای نمـونه شـهرسـتان بوکـان / اسـتان آذربایـجان غـربی

فایل صوتی و ویرایش:

"وحـــید حشـــمتی"

دبـیر دبـیرسـتانهای شـهرسـتان آباده / اسـتان فـارس

سـایر جـزوات و مطـالب آموزشی در کانـال تلـگرامی:

@PracticalEnglishInKonkour

شهریور ۱۴۰۱

لغات کلیدی و تکمیلی "درس سوم - پایه دوازدهم"

"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
absence	غیبت - فقدان	chemical	شیمیایی
absorb	جذب کردن - فهمیدن	chemistry	شیمی
air conditioner	دستگاه تهویه هوا، کولر	chemist	شیمیدان - دارو ساز
alcoholic	الکلی، حاوی الکل	circulate	چرخش کردن، چرخیدن
alternative	جایگزین، جانشین - گزینه	circulation	گردش، جریان، دوران
anger	خشم، عصبانیت، غضب	clean energy	انرژی پاک
angry	عصبانی، خشمگین	client	مشتری - موکل
annual	سالیانه	climate	شرایط آب و هوایی، اقلیم
apologize	معذرت خواهی کردن	cloth	پارچه - دستمال
apology	معذرت خواهی	coal	زغال سنگ، زغال
application	تقاضا، درخواست - کاربرد	collect	جمع آوری کردن
apply	درخواست کردن، تقاضا کردن	collective	مشترک، جمعی، عمومی، اشتراکی
apply for	نام نویسی کردن برای	collector	جمع کننده
argument	جر و بحث، مشاجره	come from	سرچشمه گرفتن، اهل جایی بودن
arrangement	آرایش، چیدمان، ترتیب	community	جامعه، اجتماع
as a result of	در نتیجه - به دلیل	component	جزء سازنده
atmosphere	جو - اتمسفر	conclude	نتیجه گرفتن- تمام کردن
attitude	نگرش، نقطه نظر	conflict	کشمکش، نبرد - ناسازگاری، تضاد
awareness	هوشیاری، آگاهی	considerable	قابل توجه، شایان توجه، فراوان
background	پس زمینه	consist of	تشکیل شدن از
balcony	ایوان - بالکن	constantly	پیوسته - دائماً
basis	اساس - اصل	consume	مصرف کردن
battery	باطری	consumer	مصرف کننده
beach	ساحل	convert	تبدیل کردن
beam	اشعه، پرتو، شعاع - تیر سقف،	cool	خنک - با حال، معرکه، محشر
beloved	محبوب، مورد علاقه	cooling	خنک سازی
benefit	سود، بهره، منفعت – سود بردن	cooler	خنک کننده
bill	صورتحساب - اسکناس	consumption	مصرف، استفاده
blow	وزیدن - فوت کردن - دمیدن	convince	قانع کردن، راضی کردن، متقاعد کردن
broth	آبگوشت	cooperate	همیاری کردن، همکاری کردن
budget	بودجه	cost	هزینه - ارزش - ارزیدن
burn	سوختن، سوزاندن	counterpart	همکار، شریک - همتا
character	شخصیت	couple	زوج، زن و شوهر
charge	شارژ، هزینه - شارژ کردن	cross out	چیزی را خط زدن، اخراج کردن
check	بررسی کردن، چک کردن	deal with	سروکار داشتن با، پرداختن به

لغات کلیدی و تکمیلی "درس سوم - پایه دوازدهم"

"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
decade	دهه (ده سال)	fossil fuel	سوخت فسیلی
delivery	تحویل	fuel	سوخت - سوخت گیری کردن
deliver	تحویل دادن	gadget	وسیله، ابزار، اسباب
demand	تقاضا، درخواست - نیاز - مطالبه	garbage	آشغال - زباله
digest	هضم کردن - فهمیدن	gasoline	بنزین
disability	معلولیت - نقص	generate	تولید کردن، بوجود آوردن
distance	فاصله - مسافت	generation	تولید - نسل
document	مدرک - سند	give off	ساطع کردن - منتشر کردن
dread	ترس، بیم، وحشت، ترسیدن از	global	جهانی
dreadful	ترسناک	global warming	گرمایش جهانی
economy	اقتصاد	goal	هدف، مقصد، منظور
Egyptian	مصری (اهل کشور مصر)	gone	ناپدید - رفته - مرده
electric	برقی	gradually	به تدریج -کم کم
electrical	برقی، الکتریکی	harm	آسیب زدن - صدمه، آسیب، زیان
electricity	برق	harmful	مضر، زیان آور
energy	انرژی	hatch	از تخم بیرون آمدن
energetic	پر انرژی، فعال	heart	مرکز - قلب - دل و جرأت، رشادت
energetically	با انرژی، به طور پر انرژی	heat	حرارت -گرما
ensure	مطمئن کردن، اطمینان حاصل کردن	herd	گروه - دسته - گله
environment	محیط زیست	hold	نگه داشتن، برگزارکردن
equivalent	برابر	holder	نگهدارنده
except	به جزء، به غیر از	hole	چاله، سوراخ، گودال
exclamation	حرف ندا	household	خانوار، اعضای خانواده
fall	افتادن - پاییز	huge	عظیم - بزرگ
fall asleep	به خواب رفتن	hybrid	دوگانه
fan	پنکه - طرفدار، هوادار	hydropower	نیروی برق آبی
fantastic	عالی، معرکه، محشر	identifiable	قابل شناسایی
feather	پر (پرندگان و حشرات و...)	idiom	اصطلاح
fitness	تناسب اندام - شایستگی	I'm afraid	شرمنده ام، متأسفم
flashlight	چراغ قوه	impression	تأثیر - احساس، ادراک
flock	دسته، گروه - دور هم جمع شدن	incandescent lamp	لامپ رشته ای
fly	پرواز کردن - مگس	inform	اطلاع دادن - با خبر کردن
fond	علاقمند، مایل، مشتاق، خواهان	initial	ابتدایی، آغازین، نخستین
force	نیرو، اجبار - مجبور کردن	innovation	نوآوری، ابداع
forever	برای همیشه	involve	شامل بودن، در برداشتن

لغات کلیدی و تکمیلی "درس سوم - پایه دوازدهم"

"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
kinetic	جنبشی، حرکتی	organized	سازمان یافته، آرایش داده شده
landfill	محل دفن زباله - گورستان زباله	organization	سازمان، نهاد، ارگان
last	طول کشیدن، دوام یافتن - آخرین	outlet	پریز(برق)
lead	راهنمایی کردن - هدایت کردن	overcome	غلبه کردن - برتری یافتن
leader	رهبر- راهنما	panel	تابلو - صفحه، پانل
lead to	منجر شدن به – منتهی شدن به	particularly	به ویژه، به طور خاص
lettuce	کاهو	perfect	کامل - بی نقص
light	نور، چراغ - سبک - روشن کردن	permanently	به طور پایدار، ماندگار
likelihood	احتمال	place	قرار دادن - مکان
line	صف، خط، ردیف - به خط شدن	plug in	به برق وصل کردن
load	بار، محموله - بار کردن	politics	سیاست
machine	دستگاه - ماشین	pollute	آلوده کردن
magic	جادویی - غیر معمولی	pollution	آلودگی
mammals	(موجودات) پستاندار	polluted	آلوده
margin	حاشیه - کناره	provide for	فراهم کردن برای
marketplace	بازار، میدان فروش کالا	portable	قابل حمل
material	ماده - عنصر - جنس	power	نیرو، برق - قدرت
meaningful	معنا دار، با معنی - مهم	practical	عملی - مفید - کاربردی
mechanical	مکانیکی	principal	مدیر، رئیس - اصلی، عمده، مهم
mix up	قاطی کردن - گیج شدن	principle	قانون - اصل
mouth	دهان	process	فرآیند - جریان، پروسه - پردازش کردن
multiplication	ضرب، تکثیر، ازدیاد	produce	تولیدکردن
namely	یعنی - بدین معنی	product	محصول، حاصل، فرآورده
natural	طبیعی، فطری، ذاتی	proverb	ضرب المثل
natural gas	گاز طبیعی	quotation	نقل قول، اقتباس کلام
nephew	پسر خواهر، پسر برادر	radiation	اشعه - تابش
noise-free	بدون صدا	reach	رسیدن به... - نائل شدن به
nonrenewable	تجدید ناپذیر	reasonable	منطقی، معقول
nuclear	هسته ای	reduce	کم کردن، کم شدن، پائین آوردن
obey	اطاعت کردن - پیروی کردن	remind	یادآوری کردن
obedient	مطیع، فرمان بردار	remote	دور- پرت، دور افتاده
oil	نفت - روغن	renewable	تجدید پذیر
opposite	برعکس	repeat	تکرار کردن
other than	به جز، به غیر از	replace	جایگزین کردن - سر جای خود گذاشتن
organic	طبیعی، ارگانیک	require	نیاز داشتن، لازم داشتن - ملزم بودن

لغات کلیدی و تکمیلی "درس سوم - پایه دوازدهم"

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
result	نتیجه - حاصل	supply	فراهم کردن
review	مرور ، مرور کردن	supporting	قانع کننده - مکمل
revolve	چرخیدن، گردش کردن، دور زدن	sweet	شیرین، شیرینی
rise	افزایش، افزایش حقوق	take a note	نکته برداری کردن
roll	چرخاندن	take in	جذب کردن - به داخل کشیدن
roof	طاق - سقف	tendency	تمایل، میل، استعداد، علاقه - گرایش
rubbish	آشغال، زباله	throughout	سراسر، تمام
run	دویدن - اداره کردن - جریان داشتن	tide	جزر و مد - موج
running water	آب جاری - آب تصفیه شده	title	عنوان، لقب
screen	صفحه، صفحه تصویر	total	کل، مجموع، جمع کل
select	انتخاب کردن	track	مسیر، راه، راه آهن، رد پا، اثر
separate	جدا - مجزا - جدا کردن	track and field	ورزش دومیدانی
shelf	قفسه	truck	کامیون
shine (shone)	درخشیدن	use up	به طور کامل مصرف کردن، تمام کردن
shiny	درخشان، تابناک، براق	variety	تنوع، گوناگونی
sight	دید - قدرت بصری - چشم	videophone	تلفن تصویری
sign	تابلو - علامت، نشانه، امضاء کردن	visible	مرئی، آشکار، قابل رؤیت
solar	خورشیدی	warn	هشدار دادن
solar panel	صفحه خورشیدی	warning	هشدار، اخطار
source	منبع، مبدأ، سرچشمه	waste	آشغال - هدر دادن
space	فضا - فاصله	weigh	وزن داشتن، وزن کردن
space station	ایستگاه فضایی	weight	وزن، وزن داشتن، وزن کردن
spoil	خراب کردن - لوس کردن	whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه
stable	طویله - استوار، ثابت	whether	که آیا - چه - خواه
store	ذخیره کردن - مغازه	widely	به طور گسترده
stove	اجاق گاز	wind power	نیروی بادی
string	ریسمان، رشته، نخ - ردیف	wind turbine	توربین بادی
structure	ساختار- ترکیب	work out	خوب از آب در آمدن - حل کردن - ورزش کردن
sunlight	نور خورشید	worm	کرم
sunshine	نور خورشید	yard	حیاط - واحد اندازه گیری طول (حدود 93cm)